

## بررسی خاستگاه بومی لفظ جناح با رویکرد حذف‌شناسی

هادی جاهد\*

فیروز حریرچی\*\*، سیدابراهیم دیباجی\*\*\*

### چکیده

الفاظ در زبان عربی و تمدن اسلامی در بستر زبان‌شناسی تولید شده‌اند و در قالب محتوای ارزش‌مند انسانی گسترش یافته‌اند. هر لفظ و اصطلاح سرگذشت و خاستگاه متمایزی نسبت به دیگر الفاظ داشته است. الفاظ در بافت زبان‌شناختی فرهنگ و تمدن اسلامی ریشه فرهنگی مستحکم دارند. بررسی خاستگاه بومی کلمه و اصطلاح بنیادین «جناح» در فرهنگ اسلامی - ایرانی و پیش از اسلامی براساس فرایندهای واجی در افزایش یا کاهش واج‌ها موردنظر است. در این مقاله به خاستگاه بومی لفظ بنیادین جناح در زبان مفسران اسلامی و لغت‌شناسان قدیم و معاصر پرداخته شده است. ریشه معاشناختی این لفظ باتوجه‌به فرایند حذف، کاهش، و افزایش معاشناختی در زبان‌شناسی مراحل انتقال معنایی از زبان هندواروپایی به شاخه زبانی سامی را طی کرده است. این مقاله به فرایند حذف آواشناختی، صرفی، واجی، معاشناختی در لفظ قرآنی «جناح» باتوجه‌به اهمیت ماهیت و محدودۀ معنایی گناه در اعتقادات بنیادین اسلامی پرداخته است. لفظ «جناح» به ایجاد مفهومی عمومی در میان تمامی انسان‌ها در هر نقطه از زمین در حرکت به سمت خوبی‌ها و دوری از تاریکی مطلق اشاره دارد. مفهوم گناه در ریشه‌های عقلی و نقلی با مشابهت میان الفاظ مختلف گناگ، گناه، جناح، سیر تحول معنایی و مفهومی را از شاخه زبانی هندواروپایی به شاخه زبان‌های سامی طی کرده است.

**کلیدواژه‌ها:** قرآن کریم، جناح، گناه، معاشناسی، حذف‌شناسی.

\* دکترای زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

hadi\_jahed@yahoo.com

\*\* استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران (نویسنده مسئول)

f-harirchi@srbiau.ac.ir

\*\*\* استاد زبان و ادبیات عربی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد علوم و تحقیقات تهران، ایران

e-dibaji@srbiau.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۱۱/۰۵، تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۲۷

## ۱. مقدمه

شناخت ریشه و ریشه‌یابی الفاظ در زبان عربی به سبب عمق معنایی و أخذ و اقتباس‌های فراوان از لهجه‌ها و گویش‌های مختلف عربی و زبان‌های دولت‌های مجاور مانند روم و یونان و هند و ایران (تویسرکانی ۱۳۵۰: ۱-۵) کاری دشوار است. به سبب ریشه‌یابی‌های لغت در بستر زمان و آگاهی نسبت به فرهنگ‌ها و تمدن‌ها در شیوه سخن‌گوینان هر زبان در دوره نزول آیات وحی، این مسئله پیچیدگی‌های فراوان به خود می‌گیرد. بنابراین، دلالت‌یابی و شناسایی خاستگاه اصیل الفاظ قرآنی جز از طریق مسیر بررسی تاریخی و استشهاد به سخنان پیشینیان و استنباط‌های عقلی در لابه‌لای نقل‌ها و دقت در ساختار کلمات و ریشه‌یابی‌های صرفی و دستوری و آوایی در رویکرد تفسیری و معناشناختی ممکن نخواهد بود.

لفظ «جَنَاح»، به دلیل پیوند عمیق با مبانی فقهی و اصولی در علوم اسلامی، اهمیت مسئله ریشه‌یابی درباره دایره مفاهیم لغت عربی را در قرآن کریم دوچندان می‌سازد. با نگاهی دقیق به آثار مفسران و زبان‌شناسان و شرق‌شناسان و قرآن‌پژوهان عربی و غیرعربی مسئله دلالت‌یابی در الفاظ قرآنی با گمانه‌زنی‌ها و حدس و گمان‌های تخمینی هم‌راه بوده است (رفیده ۱۹۹۰: ۲۴). اما آنچه در این مسیر به پژوهش‌گران قدرت حرکت در الفاظ انبوه قرآنی را بخشیده است، شباهت‌های آوایی و صوتی در کلمات درکنار ساختارهای مشترک در چینش کلمات در ترجمه به زبان‌های مقصد است. این زبان‌ها، خود، به دو دسته تقسیم می‌شوند و زبان‌های پیش از نزول قرآن کریم و زبان‌های پس از نزول قرآن کریم تا دوره معاصر را در بر می‌گیرند. در این زمینه، شناخت معنای دقیق الفاظ قرآنی با خاستگاه منطقه‌ای، بومی، و فرابومی<sup>۱</sup> متناسب با شأن نزول و معانی گسترده در طول چهارده قرن از زمان ظهور اسلام تا امروز کاری بسیار دشوار است و در آغاز راه ناممکن به نظر می‌رسد.

مسئله حذف ارکان دستوری مانند فاعل، فعل، مفعول و مبتدا، خبر (الشایب ۱۹۸۹: ۹) و دیگر ارکان دستوری و بلاغی درکنار آگاهی به معانی الفاظ به پژوهش‌گران قدرت شناسایی محدود نسبت به معنا و مفهوم کلمه‌ها را می‌بخشد. چهارده علم: صرف، نحو، معانی، بیان، بدیع، اصول استنباط، فقه، لغت، اشتقاق، اصول فقه، قرائات، اصول‌الدین، الناسخ و المنسوخ، اسباب النزول، و القصص از گذشته تا به امروز توانایی شناسایی معانی گسترده الفاظ قرآنی را به مفسران بخشیده است. این مجموعه گسترده در پیوند با تفسیر

معناشناختی الفاظ قرار می‌گیرد و توانایی شفاف‌سازی الفاظ دخیل از بومی را به معناشناسان و زبان‌شناسان قرآنی بخشیده است. زبان عربی اشتقاقی است؛ به این معنا که در مراجعه به ریشه نخستین کلمات که بیش‌تر سه‌حرفی، چهارحرفی، و پنج‌حرفی است به‌معنای نخستین که پایه مفهومی دیگر کلمات است پی برده می‌شود. در چنین مسیری، الفاظ بنیادین قرآن کریم نیازمند ریشه‌یابی‌های دقیق معنایی‌اند؛ زیرا پیوند عمیق را با آموزه‌های اعتقادی مشترک بشری دارند.

لفظ «جناح» در فقه اسلامی برداشت‌هایی قاطعانه در اثبات احکام فقهی (مکارم الشیرازی ۱۳۹۰: ۲۰۹) و به‌دنبال آن احکام حقوقی در شاخه جزا داشته است؛ زیرا جرم و آگاهی در اثبات وقوع آن در محدوده احکام فقهی و حقوقی لازمه استنباط احکام قطعی است. این مسئله دامنه شناخت را نسبت به الفاظ در شاخه‌های کاربردی زبان‌شناسی در رشته‌های مرتبط با متن قرآن کریم بااهمیت‌تر از پیش می‌سازد؛ زیرا جزای بدکاران و عقوبت ستم‌کاران در شناخت فقیه نسبت به الفاظ قرآنی به‌بار می‌نشیند. در چنین محیطی است که بررسی خاستگاه کلمه «جناح» از ضرورت‌های بنیادین در فقه و حقوق اسلامی و عرصه‌های فقه و حقوق مدنی به‌حساب آمده است.

## ۲. پیشینه تحقیق

«حوزه معنایی نام‌های گناه در قرآن کریم و نقد ترجمه‌های فارسی براساس آن»، هادی رهنما، مجله مطالعات قرآن و حدیث، ۱۳۸۷.

نگارنده در این مقاله فرایند ترجمه قرآن کریم را در برابری و واژگان و حفظ یک‌دستی و نظام‌مندی در کار ترجمه دانسته است. حوزه معنایی نام‌های گناه انتخاب شده است. نخست، بررسی معناشناختی هرکدام از این نام‌ها در قرآن کریم و سپس مطالعه تطبیقی برابری آن‌ها در ترجمه‌های فارسی مطالعه شده است. مترجم قرآن کریم نیز عضوی از این جامعه زبانی است که حتی اگر نسبت به این موضوع آگاهی و اشراف داشته باشد، باز هم نمی‌توان از او انتظار داشت که خلاف رویه و معیار زبانی مخاطبان عمل کند و برای هر یک از مفاهیم متمایز قرآنی واژه و مفهومی متمایز بسازد و ناگزیر با توضیح و تفصیل، دلیل انتخاب‌ها و برابری‌هایش را بیان کند.

جنبه نوآوری: لفظ قرآنی جناح در مقاله حاضر با رویکرد معناشناختی و زبان‌شناختی و آوایی واکوی شده و مورد بررسی دقیق‌تری قرار گرفته است.

### ۳. پرسش تحقیق

آیا جایگاه معنایی و مفهومی لفظ «جناح» در استنباط‌های لفظی و معنایی علوم اسلامی به‌درستی ریشه‌یابی و معادل‌یابی شده است؟

### ۴. فرضیه تحقیق

لفظ «جناح» در ریشه‌یابی زبان‌شناسی قرآنی ماهیت بومی - عربی خود را حفظ کرده است و وحدت انسانی را در متون اسلامی به‌وجود آورده است.

### ۵. هدف تحقیق

تبیین جایگاه معنایی و مفهومی گسترده لفظ «جناح» در حفظ وحدت اسلامی و استنباط‌های لفظی و معنایی در علوم اسلامی و انسانی.

### ۶. خاستگاه بومی الفاظ در زبان قرآنی

«بومی‌گزینی» یک لفظ در دایره زبان‌شناسی تاحدودی ناممکن است (نجفی ۱۳۸۶: ۵). معنای اساسی در ترکیب‌های زبانی برپایه دریافت رابطه‌هاست. لازم است این رابطه‌ها در نهایت سادگی و به دور از پیچیدگی روشن شود؛ و لازم است این لغت‌ها هماهنگ با نگاه عرب‌ها به زندگی در دوره‌های مشخص کشف و تفسیر شود. بنابراین، معنایی بیان‌شده در تبیین الفاظ نخستین لفظ یا مفردات دیگر را تفسیر خواهد کرد. با این رویکرد، تمامی مفردات قرآنی در سیاق و ترکیب جمله‌ها به معنایی اصلی بازگشت می‌کنند (حسن جبل ۲۰۱۰: ۱۹). زیرا متن‌ها درهم تنیده‌اند و کلمه‌ها در هر متن به نثر آمیخته و در نظم و ترتیب منطقی نوشته شده است. زمان دقیق شکل‌گیری الفاظ و نام پدیدآورنده لفظ یا خاستگاه اولیه و محدوده مکانی به‌وجودآمدن هر لفظ در بیش‌تر موارد پنهان و نامشخص است. تعیین مأخذ یا مأخذ الفاظ، خاستگاه اولیه، سیر تکامل، و میزان تأثیرپذیری هر لفظ از فرهنگ‌های مختلف از گذشته تاکنون زمینه‌ساز پژوهش صاحب‌نظران خارجی و داخلی و شکل‌گیری مباحث گسترده، ترجمه‌های متعدد، و انتشار کتاب‌ها و مقالات، یا برگزاری نشست‌های مختلف در رابطه با خاستگاه بومی یا غیربومی الفاظ قرآنی شده است؛ چنان‌که علاوه‌بر شناخت و آگاهی بیش‌تر از شرق، رویکردهای مختلف جامعه‌شناختی، روان‌کاوانه، و مردم‌شناختی، و جز آن را به الفاظ قرآنی در پی داشته است.

الفاظ موجود در متن قرآن کریم چندملیتی، چندگوشی، و چندقومیتی است، که در بستر ساختار و بافت چندمعنایی و شبکه‌ای کلام به وحدت عمیق مفهومی در بستر زمان و مکان رسیده است (عیساوی ۲۰۱۰: ۲۱۱). الفاظ این استعداد را دارند که موردبحث و بررسی‌های طولانی مدت قرار گیرند. برخلاف نظر گروهی که تنها براساس توجه به ظاهر و پوسته الفاظ قرآنی متن قرآن را دارای اثری زبان‌شناختی و دارای ارزش والای آوایی به حساب نمی آورند و حتی آن را کتاب فقهی محض و داستان‌پردازی می‌دانند (عبدالعظیم حمزه ۲۰۰۸: ۱۴-۲۲) باید گفت قرآن کریم منبعی مناسب برای مطالعه دقیق معنایی از نظر ریشه‌شناختی، لفظی، آوایی، و معناشناختی در هر برهه‌ای از زمان است.

به عقیده ابن جنی و ابوعلی فارسی، برخلاف دیدگاه ابن عباس و ابن فارس، قرآن کریم گذشته از ماهیت تقدس دینی در پیام و مفهوم اعتقادی (القوزی ۱۹۸۱: ۴)، مانند تمامی شاه‌کارهای هنری جهان، کتابی چندسویه است که هر زاویه‌اش ما را به جهانی بدیع هدایت می‌کند؛ جهانی سرشار از الفاظی با معانی گسترده، با ساختارهای گوناگون، مفاهیم چندلایه، و رمز و رازهای نهفته در بستر الفاظ. بررسی الفاظ قرآن کریم تنها بازی چشم با کلمات نیست، بلکه به مثابه زندگی در متن دنیایی تازه است که هوایش تا مدت‌ها فکر و ذهن انسان را رها نمی‌کند و افسون آن جاودانه باقی می‌ماند.

الفاظ قرآن کریم مجموعه‌ای از معانی درهم تنیده است (مندیل و العکلیلی ۱۳۹۱: ۲۰۰). عبارت قرآنی: جَنَحُوا لِّلسَّلَم (انفال: ۶۱) و اشتقاق‌های مشابه در قرآن کریم با لفظ «جَنَاح» از دیدگاه زمخشری هم‌ریشه دانسته شده است (الزمخشری ۱۹۹۸: الجزء الاول، ۱۵۲). مسئله هم‌آوایی تا قرن ششم هجری، به سبب هم‌آوایی و قرابت ریشه‌شناختی الفاظ قرآنی، تحلیل لفظ جَنَاح را با پیچیدگی‌های معنایی و مفهومی روبه‌رو می‌سازد که ریشه در فرهنگ و اعتقادات قبیله‌ای و قومیتی و تفاوت دیدگاه نسبت به متن قرآن کریم دارد.

لفظ «الجَنَاح» در ترجمه به زبان فارسی «گناه و عقوبت» (الجر ۱۳۸۱: ۷۶۸) و در احادیث و روایت‌های شیعه آهو، عیب (خیرات دهلوی ۱۳۵۲: ۶۲) باک و اشکال (شاه فضل قمصری ۱۳۸۳: ۴۰) معنا شده است. ارزش و اعتبار معنایی و مفهومی این لفظ قرآنی به سبب تأثیرگذاری بر استنباط‌های فقهی، اصولی، اعتقادی، و باورهای عامیانه جمعی اهمیت فراوان دارد. بنابراین، از جنبه‌های گوناگون لفظی و معنایی، حرکت لایه‌های معنایی به این لفظ در علوم مختلف فقه، حدیث، کلام، ادبیات، زبان‌شناسی، ماهیت‌های اعتباری مختلف براساس قرینه‌های حالت، لفظی، معنایی، و محیطی بخشیده است. پیش از پرداختن

به مبحث ریشه‌شناختی لفظ «جَنَاح» و تحلیل درون‌مایه‌های معنایی و آوایی به بررسی این لفظ از جهات گوناگون زبان‌شناسان و دستورشناسان می‌پردازیم.

## ۱.۶ تحلیل لفظ «جَنَاح» از دیدگاه زبان‌شناسان و دستورشناسان

ایرانیان از پیش از ظهور اسلام از طریق منطقه حیره، در جنوب شبه‌جزیره عربی، در تجارت و دادوستد با اعراب بوده‌اند (صفا ۱۳۸۴: ۱۹-۲۰؛ عمر ۱۹۸۸: ۵۱). درباره وجه تسمیه لفظ «جَنَاح» برخی (طبرسی ۱۳۸۷: ج ۱، ۳۷۳؛ محقق اهری ۱۳۸۶: ۵۷۷-۵۷۸). بر این باورند که این لفظ از حیره به شبه‌جزیره عربی راه یافته است و در دادوستدها به تدریج از طریق اعراب قحطانی جنوب در فرهنگ کلمات گویش‌وران از اعراب بادیه‌نشین حجاز و شام نهادینه شده است.

أَجْنِحَةٌ {اسم ذات/ لفظ جمع} بر وزن أَفْعَلَةٌ و جمع «جَنَاح» و آن چیزی است که پرنده به وسیله آن پرواز می‌کند، و از اجزاء جسم است. در آیه قرآنی آمده است:

«جَاعِلِ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا أُولَىٰ أَجْنِحَةٍ» (فاطر: ۱)

جَنَاح {اسم ذات} بر وزن فَعَالٌ به معنای کنار و جانب است. در قرآن کریم آمده است:

«وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِّ» (اسراء: ۲۴) با آن دو نرم‌خویی کن: به معنای فروتنی کن

و دیگر معنای آن گریبان است و در آیه قرآنی آمده است:

«وَ اضْمُمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ» (طه: ۲۲)

و در اشتقاق لغوی از همین اسم ذات، لفظ مثنی بر وزن «فَعَالَان» به معنای ابزار جسم و

ابزار پرواز در قرآن کریم آمده است:

«لَا طَائِرٌ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ» (انعام: ۳۸)

جَنَاح {مصدر} بر وزن فَعَالٌ نزدیک به معنای اِثْم و ذَنْب است و در قرآن کریم

آمده است:

«فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا» (بقره: ۲۳۰)

جَنَحَ {ماضی مبنی برای معلوم} بر وزن «فَعَلَّ» به معنای میل یافت و روی آورد، و در

قرآن کریم آمده است:

«وَ إِنْ جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا» (أنفال: ۶۱). به معنای میل و گرایش

اجْنَحَ {فعل امر} بر وزن أَفْعَلٌ به معنای میل پیدا کن و روی بیاور (عمر ۲۰۰۲: ۱۲۹).

گروهی از زبان‌شناسان عربی بر این اعتقادند که الفاظ زبان عربی در نخستین معنای وضع‌شده خود تداعی‌کننده معانی ریشه‌ای و اولیه خودند (یونس علی ۲۰۰۷: ۳۸، ۲۱۵). ریشه دقیق لفظ جُنَاح بر وزن فُعَال در زبان عربی مانند دو لفظ هَيْام (تشنگی) و سُعَال (سرفه) به ماهیتی درونی و پیوسته اشاره دارد (فرشیدورد ۱۳۵۸: ۳۸، ۴۹). لفظ جُنَاح، مانند لفظ حُطام، مفرد است و در کتاب‌های لغت لفظ جمع ندارد. بنابراین، زبان‌شناسان اصیل در تلاش بوده‌اند تا مصدر و شاخه‌های معنایی مناسب را به این لفظ نسبت دهند (بلقریز ۲۰۰۴: ۱۱۹). بنابراین، لفظ «جُنَاح» را ریشه اولیه ظلمت و تاریکی مطلق به حساب آورده‌اند، بلکه منظور تاریکی بی‌نهایت است.

استاد فانیامبادی عبدالرحیم تنفر اعراب را از امور ظاهری نفاق‌گونه ناشی از تأثیرپذیری آن‌ها از محیط خشک و بی‌آب و علف شمال شبه‌جزیره عربی می‌داند و به عقیده او، اصطلاحات فارسی که برای مفهوم خاص و با دلالت‌های حقیقی در بین ایرانیان به کار می‌رفته بر اندیشه اعراب در تغییر نام اصطلاحات و کاربرد آن با مفاهیم جدید مؤثر واقع شده است (الإصلاحی ۲۰۰۷: ۴۷۷). محققان دیگر در اثبات دلایل نام‌گذاری الفاظ چندمعنا در قرآن کریم به حدس و گمان متوسل شده‌اند. عده‌ای با تأکید بر «استعداد ذاتی اعراب در آهین کردن کلام» (حسن جبل ۲۰۱۰: ۵) رعایت سجع و هم‌آوایی زیبایی‌شناختی را علت تغییر نام «ذَنب» به «جناح»، که در ابتدا «جُنَاح الکلام» خوانده می‌شد، می‌دانند. هم‌چنین، با تأکید بر واژه «گناه» که تداعی‌کننده مفهوم ظلمت و تاریکی بی‌نهایت است «جُنَاح» را مصدر عربی برگرفته از مفهوم فارسی آن دانسته‌اند که با فراتر رفتن از مفهوم تاریکی مطلق و نامشخص از حالت موهوم خارج شده است و دلالت معنایی ظاهری به خود گرفته است. فُعَال، به ضمّ فاء و فتح عین مخفف، مفید معنای مبالغه در حالت صفت است و اصل این کلمه فُعَال، به ضمّ فاء و فتح عین مشدد، بوده است و لغت‌شناسان به‌صراحت در شرح مفرد «رُمَام» گفته‌اند که این تک‌کلمه به معنای «رَمِيم» است. برخی از مفردات در این صیغه برای مبالغه در معنای توصیفی همان لفظ استفاده می‌شوند؛ از آن جمله است: رُضَاب - فُرَات. و گاهی به‌منظور نوعی از تأکید لفظی در کلمه کاربرد دارد؛ مانند: حُسَان - حُسَان؛ عَجَاب - عَجَاب (بلقریز ۲۰۰۴: ج ۲، ۳۱۷).

اما چنان‌که روشن است لفظ «جُنَاح» در زبان عربی به‌صورت مفرد به‌کار رفته است (قطب ۱۳۸۶: ۳۶۰)، و اشتقاق «جُنَاح» برای این کلمه مفرد به‌کار نرفته است. بنابراین، از دو جهت دستوری و زبانی این کلمه استقلال معنایی داشته است و با انتقال معنایی از معنای مبدأ به مقصد با حفظ ظاهر لفظ و تغییر مفهومی - اعتقادی در زبان مقصد روبه‌رو بوده

است. این مسئله با بررسی ساختار دستوری در کنار تحلیل لغت‌شناسانه استنباط‌پذیر است و در ادامه دقیق‌تر به خاستگاه این لفظ می‌پردازیم.

علاوه بر الفاظ «إثم، ذنب، و خطیئة» در زبان معاصر عربی (غفرانی و آیت‌الله‌زاده شیرازی ۱۹۹۵: ۱۰۶) لفظ «جُنَاح» که در زبان عربی آن را گناه ترجمه می‌کنند نام‌های دیگری چون «رجس، حوب» نیز برای مفهوم گناه در قرآن کریم ذکر شده است.

## ۲.۶ خاستگاه جُنَاح از دیدگاه شرق‌شناسان

در خاستگاه اولیه لفظ «جناح» فرضیه‌های متفاوتی ارائه شده است. این لفظ، به دلیل تعصب یا ناآگاهی از اهمیت فراقومیتی الفاظ بنیادین قرآن کریم که مشهورترین آن مبتنی بر ایرانی بودن یا هندی بودن منشأ لفظ «جناح» است، از جانب پژوهش‌گران سرشناس عربی دارای منشأ ایرانی یا هندی معرفی نشده است (البعلیکی ۱۹۹۵: ۴۳۳). هرچند گروهی نیز آن را منحصراً مربوط به سرزمین‌های عربی یا حتی یونان پنداشته‌اند. در این مورد، مباحث گسترده‌ای از شرق‌شناسانی چون دو هامر (De Hamer)، سیلوستر دوساسی (Silvester Dosasi)، ادوارد ویلیام لین (Edward Viliyam Lin)، لانگلس (Langles)، و دیگران وجود دارد که نهایتاً منجر به پذیرفتن چندمنبعی بودن این الفاظ قرآنی در فرهنگ زبان‌های سامی می‌شود.

ابومنصور جوالبیعی، نخستین بار، با نادیده‌انگاشتن بحث خاستگاه غیربومی لفظ «جُنَاح» در کتاب خود (الجوالیقی ۱۹۹۰: ۲۲۹)، علاوه بر نفی منشأ هندی و ایرانی این لفظ، این نظریه را که لفظ «جُنَاح» دارای منشأ غیرسامی است مردود اعلام کرد. دوساسی نیز با تکیه بر شواهد درون‌متنی جُنَاح را لفظی با اصالت عربی دانست و همین امر سبب اختلاف نظریات بنیادین وی با لانگلس شد که از اصالت هندی و ایرانی لفظ جُنَاح دفاع می‌کرد.

### ۱.۲.۶ خاستگاه هندی و ایرانی لفظ «جُنَاح»

محققان در استناد به ریشه‌های زبانی، با دقت در اختلاف لهجه‌ها و گویش‌های گوناگون در قبیله‌های عربی، مسئله مترادف‌دانستن کلمات را در ریشه اولیه نپذیرفته‌اند؛ همان‌گونه که زبان‌شناسان نخستین برای مثال از دو کلمه «جلس» و «قعد» دو معنای متفاوت را برداشت کرده‌اند (أنیس ۲۰۰۳: ۱۷۰-۱۹۰؛ الزیادی ۱۹۸۰: ۶۶-۷۰؛ عمر ۱۹۸۸: ۲۲۱-۲۴۰). دو هامر نخستین کسی بود که در *لسان العرب* به ریشه هندی و ایرانی (وافی ۲۰۰۴: ۲۹۹، ۳۰۸، ۳۰۹)



این لفظ دست یافت و در پی او بسیاری از دانشمندان به اصل هندی و ایرانی «جناح» اعتقاد یافتند؛ زیرا هر کلمه به لهجه‌ای در شبه‌جزیره عربی باز می‌گردد که در وحدت زبانی و با گذشت زمان در کنار دیگر الفاظ به صورت مترادف معرفی شده است. امروزه، این تفاوت‌ها تا حدود زیادی به فراموشی سپرده شده است. همان‌گونه که در کلمات مترادف قرآنی الفاظ «جناح»، ذنب، اثم، و رجس را در یک ردیف معنایی و مفهومی آورده‌اند. در حالی که قانون وضع الفاظ در علم بیان خاستگاه این الفاظ را جست‌وجو کرده و در این رویکرد لفظ جناح بیش‌ترین هم‌آوایی را با الفاظ مشابه در شاخه‌های زبانی هندواروپایی داشته است.

محققان اغلب در اثبات منشأ هندی و ایرانی لفظ جناح به دیدگاه ابومکرّم ابن منظور (د ۳۶۴ ق) و خلیل بن احمد فراهیدی (د ۳۸۰ ق) استناد نمی‌کنند؛ زیرا با وجود لفظ «جناح» در شاهد مثال‌ها از معرّب‌بودن این لفظ سخن به میان نیاورده‌اند (فراهیدی ۱۹۸۸: ج ۶، ۱۸۰؛ ابن‌المنظور ۲۰۰۳: ج ۲، ۱۲۶-۱۲۹)، جناح دارای ریشه هندوایرانی است. علت‌یابی در اثبات این موضوع نخست در دیدگاه ابن‌منظور و دیگر در دیدگاه خلیل بن احمد فراهیدی نهفته است. دقت این دو لغت‌شناس و گرایش به اثبات اصیل‌بودن لغت‌ها در زبان شعر و نثر قدیم عربی مانع از پردازش لفظ «جناح» از جهت اصالت معنایی شده است.

ریشه‌یابی معنایی در ارتباط‌های فرهنگی و اعتقادی عرب‌ها با هندیان در دو زمینه تجارت و کشورگشایی روشن است. تاجران عرب تا آن‌جا که در نوشته‌های نویسندگان رومی و یونانی آمده است از قرن ششم میلادی در ارتباط تنگاتنگ با جزیره سریلانکا و شهرهای ساحلی بوده‌اند (نینار ۲۰۱۱: ۱۱). جناح با استناد به «لفظ از جهت سبک‌شناسی در وزن صرفی و لغت» (حسن جبل ۲۰۱۰: ۳۴۳-۳۴۴) «به عقیده دوساسی» (وافی ۲۰۰۴: ۳۷-۳۸) لفظ «جناح» در توالی معناساختی همان «گناگ» و «گنه» و «گنه» «جنه» است. با حفظ مفهوم ظلمت درونی، بر تفکر مردم زمانه نفوذ یافته است و مشابهت این لفظ را، که پس از ترجمه‌شدن از متن‌های فارسی و هندی با اصل پهلوی به زبان عربی رسیده است، با تحلیل زبان‌شناختی از طریق قرینه‌های زبانی نشان می‌دهد.

امروزه بیش‌تر پژوهش‌گران عربی با تردید اساس لفظ «جناح» را «معرّب» پارسی می‌دانند و هم‌رأی با افرادی چون دوخویه (De Goeje) و مونته (Montet) معتقدند ریشه‌های برخی از الفاظ بنیادین قرآن کریم پیوند مفهومی فرهنگ ایرانی و هندی در انتقال تدریجی به تمدن نوین عربی بوده است و الفاظی که در دوره اسلامی در بین‌النهرین و سریان و نیز الفاظی که پس‌از آن در تاریخ اسلامی روایت شده بر آن اضافه شده است (Esposito 2003: 5, 11, 26).

علاوه بر منابع و شواهد برون‌متنی، نشانه‌های درونی و عناصر موجود در لفظ «جُنَج» هندی و ایرانی بودن منشأ بعضی از اجزای آوایی آن را آشکار می‌سازد. مشابهت لفظ «جُنَاح» با «گناه» و سیاه مانند تشابه الفاظ در زبان‌های هندواروپایی، برخلاف ساختار متفاوت دستوری و بلاغی، از نظر تأثیرپذیری نظام آوایی - تاریخی بر لفظ جُنَاح در قرآن کریم تقدم دارند. این شباهت گاه به صورت کامل و در بعضی موارد به صورت پراکنده و جزئی است، و این مسئله با دقت در قرینه‌های پیوسته به لفظ جُنَاح در قرآن کریم استنباط می‌شود. هم‌چنین، وجود نام‌های قدیم و تعلیمات و اعتقادات باستانی ایران و هند از مواردی است که بیش‌تر محققان در اثبات ریشه هندی و ایرانی لفظ «جُنَاح» به آن استنباط می‌کنند.

الفاظ قرآنی مشابه که ریشه آن‌ها هندوایرانی و یونانی و سریانی و رومی دانسته شده است عبارت‌اند از:

- **إثم:** که از جهت کاربرد قرآنی آسیب به چهارچوب روح در حرکت به سمت کمال است. ریشه این کلمه در قرآن کریم به صورت تک‌کلمه‌ای و بدون وصف و صفت آمده است. در این کلمه، مفهوم ایرانی گناه، کیفر، و عقوبت و جزا بر هند و ایرانی بودن ریشه کلمه دلالت ندارد. اما این لفظ با مفهوم و معنای گنگ و بدون توصیف مستقیم در قرآن کریم به استقلال عربی این لفظ در قرآن کریم از جهت وجود نظام آوایی سه‌حرفی متشکل از الف، ثاء، و میم تاحدودی روشن می‌شود.
- **رجس:** این لفظ در قرآن کریم به معنای عذاب است و هر پلیدی را رجس می‌دانند. همان‌گونه که وسوسه شیطان و صدای شدید رعد و صدای شتر از این لفظ آمده است (الفراهیدی ۱۹۸۸: ج ۶، ۵۲)؛
- **بغی:** با مشتقات مختلف فعلی و اسمی در قرآن کریم به کار رفته است. این لفظ، در مشتقات مصدری، اسم فاعل، فعل گذشته به قطعیت در ارتکاب به عمل در این ریشه اشاره دارد. در این مشتقات اسم مفعول مشاهده نمی‌شود؛
- بغی در حالت مصدری در توصیف موارد ظاهری آمده است؛ از جمله داستان قارون در قرآن کریم و هشدارهایی پیرامون ارتکاب به عمل ناپسند زناست (نور: ۳۳)؛
- **ثقل:** در حالت مصدری و در مورد ظاهر اجسام به کار رفته است و تشبیه میان سنگینی ظاهری در جهان ماده به گناه تشبیه شده است و این پیوند در ایجاد این‌همانی در مفهوم لفظ در زبان عربی اثرگذار بوده است. در این کلمه نشانه

ریشه هندی و ایرانی دیده نمی‌شود و وجود حروف عربی اصیل «ث» و «ق» نشانه‌ای روشن در این مسئله دانسته شده است؛

- خوب در حالت نامفهوم آمده است و در نگاه نخست لفظ وارد شده به زبان قرآنی به نظر می‌آید. اما درحقیقت این لفظ با حرف حلقی «حاء» و ریشه سه‌حرفی بر وزن عربی «فعل» عربی بوده و به معنای گناه است، و توصیف «کبیر» در قرآن کریم این لفظ را از جهت معنایی روشن می‌سازد (نساء: ۲). گناه بزرگ (گناه سترگ) (محمودیان ۱۳۹۳: ۷۷-۷۸؛ مکارم شیرازی ۱۳۸۷: ۷۷) که در آن به الفاظ ایرانی، مانند بزرگ و سترگ و عظیم و گناهان نابخشودنی، در ترجمه‌ها و تفسیرهای قرآنی ایرانی اشاره شده است و می‌توان چنین معانی را در ذهن تصویر کرد.

ادبی شیر با اشاره به اهمیت دلایل و قرینه‌های خارجی، که با الفاظ هندی و ایرانی راه‌یافته به قرآن کریم ارتباط می‌یابند، می‌نویسد: زبان‌شناسان عربی، خود، می‌توانستند یک لفظ راه‌یافته را در میان سلسله‌ای از لفظ‌های بومی استخراج کنند و آن را با شرایط و زمان و مکان خویش تطبیق دهند. در صورتی که هرگز نمی‌توانستند به کمک تخیل محض خود به آن چه بومی و محلی است رنگی غیربومی بدهند (شیر ۱۹۰۸: ۴-۱۱). وی، با اشاره به اهمیت قرینه‌یابی در الفاظ عربی قرآن کریم و متون دوره جاهلی و عباسی الفاظ را در حالت سیال و حرکت معنایی تبیین کرده است (همان: ۳). در این شرایط، امکان تفکر نسبت به الفاظ در لایه‌های عمودی و افقی معنایی برای نگارنده فراهم بوده است. در این شرایط، تنها تسلط به زبان مقصد و مبدأ مطرح نیست، بلکه شناسایی ساختار کلمات عربی و جایگاه آن‌ها در کلام قرآنی شناخت روشن نسبت به دخیل یا بومی بودن الفاظ را به ادبی شیر بخشیده است. مشابهت الفاظ مختلف قرآنی را از طریق قرینه‌یابی‌ها و حذف لایه‌های پنهان و کشف لایه‌های معنایی مرتبط با متن را با فرایند حذف‌شناسی لایه‌ای موسوم به «حذف زبان‌شناختی تحلیلی» (delete transformational linguistic) بازمی‌نمایاند.

افزون بر لایه‌های معنایی، که ریشه هندوایرانی آن‌ها به اثبات رسیده است، محققان خاستگاه بعضی از الفاظ قرآنی را فقط یکی از این دو شیوه دانسته‌اند.

## ۲.۲.۶ خاستگاه دراویدی لفظ «جناح»

آرای صاحب‌نظران درباره شواهد و قراین هندی بودن خاستگاه الفاظ، به‌طور کلی، در دو دسته قرار می‌گیرد؛ دسته نخست افرادی‌اند که با تکیه بر ساختار تودرتویی یا لفظ در لفظ

آیه‌های قرآنی منشأ این گونه الفاظ را هندی می‌دانند (نینار ۲۰۱۱: ۵۷۴-۵۷۵). لفظ گناه در هندی، به عقیده هندیان دراویدی، «به‌ثمرنشستن گناه یا هر حالت ناشایست و تصمیم خطاگونه دیگر از راه انتقال قلبی است. از دست دادن و مانع شدن از انجام کار ناشایست و نسنجیده شیوه ویژه در آیین هندیان است» (همان: ۳۳-۳۴). این ساختار که در آثار مقدم بر قرآن کریم در هند، مانند *مه‌بهاراتا*، *هفت‌وزیر*، *پنچاتترا* (کلیله و دمنه)، *سوکه سپتاتی* (طوطی‌نامه)، و *تالا پنچاوین ستی*، روشن است در دیگر سرزمین‌ها نایاب یا ناشناخته دانسته شده است. در هیچ‌یک از خاستگاه‌های باستانی، «به‌جز *Metamorphoses* اثر *Ovide*، بدین شیوه پرداخته نشده است» (محبوب ۱۳۸۲: ۳۷۱). از این‌رو، این شیوه تحلیل الفاظ را قرینه‌ای بر هندی‌بودن بعضی الفاظ تشکیل‌دهنده قرآن کریم دانسته‌اند. هم‌چنین بیان و درهم‌تنیدگی پیام‌ها و عمق معنایی برخی از الفاظ و داستان‌های قرآنی، که در الفاظ هندی نیز قابل استنباط است و بدین شکل:

«تو نباید چنین و چنان کنی تا آن‌چه بر فلان رسید بر تو نرسد». دیگری می‌پرسد:

«چگونه است آن؟»

و طرف نخستین داستان را آغاز می‌کند...

منجر به درج قصه‌ای در دل قصه دیگر یا در ادامه آن می‌شود، در هزار و یک شب نیز دیده می‌شود. در این ساختار ترکیب عربی «کیف ذلک؟» (چگونه است آن؟) کلمه به کلمه با ترکیب سانسکریت (*Ketham Etat*) تطبیق می‌کند» (محبوب ۱۳۸۲: ۳۷۱-۳۷۲).

پژوهش‌گران با اشاره به «سه ویژگی اساسی قرینه معنوی، قرابت معنایی، و وجود ریشه اصلی در کلمات (خفاجی و دیگران ۱۹۹۲: ۲۶-۳۱) که علاوه بر اصول زبان‌شناختی، ریشه اعتقادی، ساختار مشترک لفظی، لفظ جناح، در قرآن کریم و احادیث اسلامی نیز وجود دارد؛ این ویژگی‌ها را با عقاید مذهبی و آئینی هندوان مرتبط ساخته‌اند و با تکیه بر ریشه‌یابی اپیزودیک الفاظ، نقش سرزمین هند را در شکل‌گیری الفاظ قرآنی در بستر پیش از اسلامی غیرقابل انکار دانسته‌اند.

الفاظ راه‌یافته به قرآن کریم، به‌ویژه الفاظی که در بیش‌تر سوره‌های قرآن کریم تکرار شده‌اند و علاوه بر متن قرآن کریم در احادیث و روایت‌ها می‌آید (الفاظی مانند برزخ، جحیم، زکات و صلاة، صوم، و حج)، هر یک به‌تنهایی نمونه این سبک شناختی قرآنی، یعنی درج لفظی در لفظی دیگر، است و دارای تمام نکته‌های اساسی است که ریشه هندی، اروپایی داشتن آن را تأیید می‌کند.

البته گروهی از محققان، از قرن نوزدهم میلادی به بعد، با رد هندی‌بودن این الفاظ، خاستگاه اصلی این شیوه تحلیل الفاظ را شیوه تحلیل منطقی انتقال‌یافته از سرزمین‌های یونان و روم دانسته‌اند. دسته دیگر محققانی هستند<sup>۳</sup> که با تکیه بر تشابه محتوایی الفاظ قرآن کریم و روایت‌ها و احادیث مأثور (جعفرعلی ۱۳۹۴: ۲۵-۲۸) خاستگاه اولیه این الفاظ را هند دانسته‌اند. آن‌ها با دقت در شباهات آوایی و حروف بنیادین قرآن کریم، که چهارچوب اصلی بیان در صوت و آوا را تشکیل می‌دهد، شاکله‌هایی را مشابه سه مضمون اصلی آن در زبان هندی یافته‌اند:

۱. الفاظ هم‌سانی که ظاهر آن‌ها از جهت حروف الفبایی در صوت خارج شده از دهان همانند است. این الفاظ عربی قرآنی با الفاظ هندی به‌نام زبان دراویدی مشابه است.

۲. الفاظی که ماهیت مذکور طبیعی دارد و با اعتقادات و رفتار اجتماعی و تفکر جمعی هم‌سان است. اصل این الفاظ بسیار قدیمی است و تقریباً در الفاظ واردشده در آیین بودایی از سرزمین هند باز یافته می‌شود.

۳. سرگذشت الفاظی که با داستان الفاظ خود و دیگران را در شکل‌گیری الفاظ سهیم می‌داند و به پیوند فرهنگ فراملی با تفکرات بومی هند می‌انجامد. نظیر این الفاظ در داستان‌های مشترک میان ادیان یا در الفاظ بنیادین اعتقادی نیز وجود دارد.

هم‌چنین الفاظی که در باور و اعتقادات عامه مردم از گذشته تا به امروز به شکل‌گیری اعتقادات مشترک بین‌المللی انجامیده است. با خصوصیتی مانند:

- دریافت نطق از اصوات محیطی و جانوران؛
- شکل ظاهری و مکانیکی کلمات (که هر دو مورد در زبان‌ها دیده می‌شود)؛
- حالت روانی و روحی در کلمات و اعتقادات انسانی، مانند مثل‌ها و متل‌ها از زبان بزرگان و پیشینیان به سبک و سیاق انسان‌گرایانه.

تلفظ حرف‌های حلقی برای ساکنان شبه‌قاره هند دشوار است؛ همان‌گونه که تلفظ حرف همزه در نظام آوایی زبان هندی با دشواری آوایی در بیان الفاظ روبه‌رو است (نینار ۲۰۱۱: ۳۴). علت تغییرات اساسی در ریشه لغت‌ها در هر زبان به عوامل متعدد باز می‌گردد؛ از آن جمله، ساختار آوایی سخن‌گویان زبان است که هر زبان را نسبت به زبان دیگر متمایز می‌سازد؛ زیرا خداوند متعال به تمامی انسان‌ها قدرت نطق بخشیده است. این نطق از طریق مخرج حروف در دستگاه آوایی صورت می‌پذیرد.

### ۳.۲.۶ خاستگاه وام‌واژه‌های قرآنی

ابن‌منظور در نظریات خود درباره‌ی الفاظ به پانزده دانشمند زبان‌شناس استناد کرده است. در میان این افراد جوهری (ت ۳۹۳ ق)، ازهری (ت ۲۸۲ ق)، ابن سیده (۳۹۸ ق)، ابو عبید (ت ۲۲۳ ق)، ابوهشام اللیث، ابوحنیفه‌الدینوری (ت ۲۸۲ ق)، ابن اثیر (ت ۵۵۵ ق)، فرّاء (ت ۲۰۷ ق)، ابو عبیده (۲۱۰ ق)، ابن السکیت (۲۴۳ ق)، ابن ذرید (۳۳۱ ق)، ابن خالویه (ت ۳۷۰ ق)، زمخشری (ت ۵۳۸ ق)، ابن برّی (ت ۴۹۹ ق)، دانشمند مجهولی به‌نام ابا عمرو، زیرا به سه لغت‌شناس اطلاق شده است: ابو عمرو ابن علاء (ت ۱۴۵ ق) که کتاب *نوادرا* در کارنامه دارد. ابو عمرو شیبانی (ت ۲۳۱ ق) که کتاب *الحروف* را در کارنامه دارد، و ابو عمرو شمّر هروی (ت ۲۵۵ ق) که *معجم‌الجیم* را در کارنامه دارد (بن مراد ۱۹۸۷: ۱۷۹). همه‌ی این دانشمندان به مسئله‌ی وام‌واژه‌ها در تألیف‌های خود دقت ضمنی داشته‌اند.

محمدحسن عبدالعزیز، با اشاره به ایرانیان به‌عنوان نخستین زبان‌شناسان قرآنی، در مقدمه‌ی کتاب *التعریب فی القدیم و الحدیث مع معاجم للألفاظ المعربیه* در بیان الفاظ عربی و اهمیت قوانین و دستورالعمل‌های زبانی و دستوری برای پژوهش‌گران می‌گوید: «موضوع تمدن عربی در الفاظ و اصطلاحات شاعران و نویسندگان و دانشمندان به‌کار رفته است. قوانین و دستورالعمل‌های دستورنویسان و زبان‌شناسان برای کاربران زبان لازم دانسته شده است؛ زیرا امت عربی خودخواسته به‌دنبال گردآوری فرهنگ و تفکر قومیتی خود در قالب زبان رسمی قرآنی بوده است. زندگی امروزه نیز ادامه‌یافته در ریشه‌های مستحکم تمدن پیشین است؛ با وجود اختلاف‌نظرها در چگونگی بهره‌گیری از این تمدن، پژوهش درباره‌ی این تمدن را واجب می‌دانند. امروزه پژوهش‌گران الفاظ عربی قدیم را هم‌پایه با زبان عربی جدید در تولید الفاظ عربی وارداتی از دیگر سرزمین‌ها تأثیرگذار می‌دانند» (عبدالعزیز ۱۹۹۰: ۶-۷). مفسران با اشاره به «قرآن کریم» از تلاش مفسران ایرانی در گردآوری و تدوین الفاظ و روایت‌ها و نکته‌های عرب و عجم و روم سخن گفته‌اند. این تفکر را از جهتی می‌توان نخستین تلاش مفسران در تفسیر کلمات قرآنی به‌شمار آورد. هرچند بیش‌تر مستشرقان بر این عقیده‌اند که «ریشه‌ی کلمات بنیادین قرآنی غیرتازی و رومی و یونانی و حبشی و پهلوی است و خود قرآن کریم نیز به جهانی‌بودن و غیرقومیتی‌بودن تفکرات اسلامی تأکید کرده است ... مفسرانی اصل قرآن کریم را کتاب هدایت همگانی می‌دانند که به‌مرور داستان‌های اسلامی با خصوصیات عرب بر آن افزوده شده [است]...» (نامقی ۱۳۵۵: ۳۹۵-۳۹۶، ۱۰۹، ۲۲۵، ۳۴، ۸۳، ۱۵۹، ۱۳۹، ۳۲، ۵۷).

## ۴.۲.۶ خاستگاه عربی لفظ «جناح»

نخستین کسانی که با قطعیت و اطمینان از عربی‌بودن خاستگاه لفظ «جناح» دفاع کردند خلیل بن احمد فراهیدی و ابن منظور بودند. «به‌اعتقاد ابن منظور، آداب‌ورسوم و اوضاع و احوال محلی در قرآن کریم نشانه‌هایی از فرهنگ و تمدن اسلامی و خاصه شبه‌جزیره عربی دارد» (جوالیقی ۱۹۹۰: ۵۳). وی با طرح این سؤال که «اصل قدیمی جناح که می‌بایست بسیار گسترده و دست‌کم، هم مفهوم با تیرگی، و تاریکی امروزین بوده باشد، چگونه است؟» و با بیان این نکته که هیچ‌یک از اسم‌های مشابه و حتی لفظ «ذنب» و «رجس» و «حنت» و «فرث» و «ثقل» بیان‌گر غیرعربی‌بودن این لفظ نیست «اصل هندی و ایرانی جناح و نیز فرض اقتباس از فرهنگ و تمدن ایرانی و هندی را [انکار کرده‌اند] و لفظ جناح را به تمام و کمال عربی و لبریز از روح و بینش اسلامی دانسته‌اند.

در ادامه، روسلو نیز با تأیید سخن دوساسی از عربی‌بودن ریشه لفظ جناح در قرآن کریم دفاع کرد (وافی ۲۰۰۴: ۴۵).

زبان‌شناسان الفاظ عربی قرآن کریم را به دو دسته اصیل و دخیل تقسیم کرده‌اند و درباره چگونگی راه‌یابی این الفاظ و اضافه‌شدن آن‌ها به قرآن کریم دیدگاه‌های مختلفی ارائه داده‌اند. از نولد که به‌عنوان نخستین دانشمندی که الفاظ اصیل را از الفاظ دخیل بازشناخت نام برده‌اند و با اشاره به ویژگی‌هایی نظیر:

- بینامتنی و اقتباس‌های معنایی با ترکیبی مستقل و محوریت شناخت که نقش ایرانیان در انتقال معانی دوم و سوم و چهارم یک لفظ به تمدن اسلامی بارز است؛
- تمرکز بر الفاظ هم‌معنا بدون ارائه قرینه و شاهد مثال شعری یا متشور در زبان مبدأ و مقصد؛
- پرداخت وام‌گرایانه در الفاظ هم‌معنا در دو زبان.

چگونگی این تفاوت‌ها را آشکار ساخته‌اند.

دو سوسور معتقد است که زبان از دو جنبه فردی و اجتماعی ملکه‌ای هم‌سان دارد؛ به این معنا که نمی‌توان یکی از جنبه‌های فردی یا اجتماعی را بر دیگر برتری داد. بنابراین، زبان در هر دوره‌ای مانند یک سیستم منظم (System) در پیش‌رفت و رو به تکامل است. و هم‌زمان در نظام اجتماعی (Regular linguistic rhythm) حاصل از گذشته به‌سر می‌برد. شاید در نخستین نگاه، جدایی میان سیستم منظم زبانی و نظام اجتماعی آسان به‌نظر رسیده باشد،

اما درحقیقت، رابطه میان این دو آنچنان مستحکم است که جدایی میان این دو مفهوم دشوار به نظر می‌رسد (see De Saussure 1968: 24).

کم‌رنگ شدن تردیدها و بیرون آمدن لفظها از ابهام در نتیجه ارائه شواهدی قطعی و مستند نیز از ویژگی‌های تأثیر زبان‌شناسی بر ادبیات و فرهنگ عربی است.

لغت‌هایی روشن و مشخص جزئی محدود شده از لغت‌های غلبه‌یافته در زبان رایج است. بنابراین، لغت‌ها در همان زمان در نتیجه سیطره اجتماعی گسترش و غلبه یافته است. مجموعه‌ای از ساخت‌های لغت ضرورت یافته است و از سویی گروه‌های اجتماعی به جهت آزمون شناسایی در توانایی افراد محدود به زمان و مکان به صورت کاربردی انتخاب شده‌اند. بنابراین، لغت‌های غلبه‌یافته دارای شکل‌ها و کارکردهای زبانی متنوع و گونه‌های پیچیده زبانی است؛ زیرا زمینه کاربرد در جنبه‌های مختلف ظاهر الفاظ، صورت روان‌شناختی الفاظ، و جنبه روانی الفاظ را در قالب دو زمینه فردی و اجتماعی دریافت کرده است.

با اشاره به نقش الفاظ مختلف در شکل‌دهی ساختار و وزن آوایی الفاظ قرآن کریم در طول تاریخ دوره‌های اسلامی، علاوه بر ساختار گسترش یافته در زبان عربی (ابن جنی ۱۹۵۲: ج ۱، ۳۵۷) در گستره‌ای از بغداد و بصره در عصر خلفای عباسی تا مصر و شامات در عصر ممالیک از دخل و تصرف و اقتباس و اختلاط الفاظ زبان‌های ملت‌هایی نظیر یونان و ایران و هند و حبشه و روم سخن به میان می‌آید و بدین ترتیب وام‌واژه لفظ جُنَاح از جهت وزن عروضی و ساختار آوایی در هر دوره ماهیت تغییر یافته از جهت معنایی دارد. کاربرد این لفظ از ابتدای پیدایش و انتقال معنایی در قرآن کریم تا دوره‌های پس از آن با تأثیری چندملیتی و با فرهنگ‌های مختلف معرفی می‌شود که افزون بر تجلی بدهستان‌های تمدنی نقش هماهنگ‌کنندگی و صلح آفرینی اسلامی در آن امروزه بسیار قابل توجه است.

### ۳.۶ لفظ «جُنَاح» در شعر عربی

اغلب محققان با پژوهش در ساختار دستوری و بافت قرآن کریم این اعجاز الهی را تألیفی ترکیبی دانسته و از انتساب آن به مؤلفی واحد خودداری کرده‌اند. الفاظ منسجم قرآن کریم در گستره‌ای وسیع از یونان و روم تا ایران و شام و مصر تأثیر پذیرفته است (البطلیوسی ۲۰۰۷: ۹۶-۹۷)، و با عبور از این سرزمین‌ها عناصر قومی و فرهنگی اقوام شرقی و غربی و شمالی و جنوبی در تنوع جهانی را در خود منعکس می‌سازند. تکامل تدریجی الفاظ قرآن کریم و انتقال شفاهی و سینه‌به‌سینه آن‌ها مانع از انتساب قرآن کریم به



قومیت واحد و محدود به یک منطقه یا قبیله می‌شود. هم‌چنین، تفاوت لهجه‌ها و اختلاف میان معانی دقیق الفاظ وجود تفسیرهای گوناگون و پراکنده الفاظ قرآنی را از سوی مفسران سبب شده است. این مسئله نشان می‌دهد که الفاظ قرآن کریم در یک زمان و در بستر یک تمدن و فرهنگ محدود شکل نگرفته است. به عقیده محققان، قرآن کریم در بستر لغت‌شناسی، تألیفی مرکب است که در مدت‌زمانی طولانی پیش از شکل‌گیری زبان عربی منسجم و در دوره جاهلی پس از دریافت گسترده تمدن و فرهنگ و داستان‌های متعدد شکل نهایی زبان‌شناختی خود را باز یافته است.

سید قطب و جوالبیقی به نظری اجماعی درباره الفاظ قرآن کریم دست یافتند. آنان در مشابهت نظر اعلام می‌دارند که الفاظ قرآن کریم یک تألیف مرکب است و قدیم‌ترین الفاظ آن از تمدن دینی جهانی نشئت گرفته‌اند. در زمانی احتمالاً در هزاره دوم قبل از میلاد مسیح، این الفاظ به اعتقاد جمعی جهانی تبدیل شدند و در بافت تفکر جهانی جایگاه یافتند (قطب ۱۳۸۶: ۵۳؛ الجوالیقی ۱۹۹۰: ۵۳-۸۷).

تفسیر الفاظ قرآن کریم را محصول خلاقیت تعداد بی‌شماری از مفسران و دستورشناسان و بلاغت‌شناسان می‌دانند (شادی ۱۹۸۸: ۹). در زمان‌های مختلف و مکان‌های گوناگون، تفسیرها را متناسب با موقعیت زمانی و مکانی و شأن نزول آیه‌ها بر آیه‌ها و روایت‌ها افزوده‌اند. قرآن کریم کتابی است که در طول زمان توسط مؤلفان و راویان و مفسران گوناگون دست‌به‌دست گشته و پیشرفت ذهنی انسان‌ها را سبب شده است.

ادوارد ویلیام لین، برخلاف سایر محققان، قرآن کریم را اثر مؤلفی واحد در دوره‌های اسلامی می‌دانست. در حالی که پژوهش‌گران با تکیه بر قراین نسخه‌شناسی و بررسی لهجه‌های گوناگون و ساختار و کمیت نسخه‌های مختلف قرآنی، علاوه بر اثبات این نکته که قرآن کریم نثری یک‌جانبه و تک‌بعدی ندارد، وجود فرهنگی شفاهی با سنت نقل سینه‌به‌سینه را دلیلی بر چندمؤلفی بودن کتاب وحی و تاریخ تدوین متفاوت آن دانسته‌اند.

در مناسبت‌های اعتقادی و تجاری لفظ جناح با بار معنایی اعتقادی در شعر جاهلی کاربرد یافته است. در شعری از امروالقیس، پدر شعر عربی، این لفظ در بافت و ساختار کلام استنباط می‌شود و با کاربرد در شعر شاعران دوره‌های مختلف پس از او ادامه یافته است.

تکیه بر ملاحظات مبتنی بر حافظه تاریخی در شعر دوره جاهلی تا دوره معاصر در تمدن‌ها و استناد به شواهدی نظیر:

كَأَنِّي أُعَدِّي عَن جُنَاحٍ مَّهِيبِضٍ	فَظَلْتُ وَظَلَّ الْجَوْنُ عِنْدِي بَلِيدِهِ
(امروالقیس، دوره جاهلی)	
وَكَيْفَ يَحِصِّنُ وَ الْجِبَالُ جُنُوحُ	يَقُولُونَ حِصْنٌ ثُمَّ تَأْتِي نَفُوسُهُمْ
(النابعه الذبیانی، دوره جاهلی)	
جُنْحُ الظَّلامِ وَ ثوب اللیل مسبول	مازلت اقتتعت البیداء مدرعا
(کعب بن زهیر بن ابی سلمی، دوره اسلامی)	
ينساب جنح الظلام في سفن	من أفعوان أصم نهاش
(ابن الرومی، دوره عباسی)	
تولته في جنح الدجنة هدايا	و هديك مهما ضلت الشهب قصدها
(ابن زمرك، دوره اندلس)	
كما تعاف السراة قد بليت	و عفتني مثل جنح الليل معتكرا
(ایلیا ابوماضی، دوره معاصر)	

در شعر جاهلی به دلیل نزدیکی طبیعت الفاظ به محیط دست نخورده دوره جاهلیت در الفاظ با سادگی و روانی الفاظ روبه روییم. از این جهت لفظ «جنح» برگرفته از مفهوم بسیط در دوره نخستین بوده است. چنان که در کاربرد نخستین «جنح» در شعر جاهلی تا دوره معاصر عربی استنباط می شود این لفظ در بافت کلمه با تاریکی و ظلمت هم راهی و هم خوانی دارد، و از این جهت ریشه سه حرفی «ح ن ح» با کاربرد سه حرفی در زبان شعر عربی کاربرد دارد. اما به جهت ساختار وارداتی سبک شناسانه در زبان عربی لفظ «جُنْح» از این لفظ گرفته نشده است بلکه به دلیل کاربرد وزن «فَعَال» در زبان عربی برای امور یکبارگی مانند «سَعَال» (سرفه یکباره) و «صُرَاخ» (فریاد یکباره) این ساختار از لفظ جنح به صورت برداشت وصفی به صورت مصدر به معنای تاریکی مطلق با کاربرد «گناه» در زبان فارسی در تقابل قرار می گیرد.

تأخیر در تشکیل سبک شناسی مدون و زبان شناسی منسجم درباره زبان عربی قرآن کریم (شادی ۱۹۸۸: ۱۱) سبب شد که محققان تاریخ تفسیر و ریشه یابی بعضی از لغات قرآن کریم را به قرن چهارم هجری یا اندکی پیش از آن برسانند. البته، شرق شناسانی نظیر دوساسی با تکیه بر موارد یادشده در بعضی از لغت ها تاریخ تفسیر و ریشه شناسی برخی از لغات قرآنی را قرن هفتم یا هشتم هجری دانسته اند. هم چنین، عده ای با تکیه بر عناصری

مانند «زبان آزاد» الفاظ جاهلی را فاقد سبک بلاغی نثر عربی قدیم دانسته‌اند و قرن‌های پیش از میلاد را به‌عنوان تاریخ تألیف نهایی الفاظ قرآنی در قالب ثروت واژگانی اعلام کرده‌اند. تغییر صوتی تنها در زمینه کلمات منقول از زبانی به زبان دیگر به‌دست نمی‌آید، بلکه به‌شکل لحاظ‌شده نزد سخن‌گویان زبان مقصد ثبت می‌شود (السراقبی ۲۰۰۷: ۹۱-۹۴). اختلاف در ریشه‌ها باعث تغییر در مخارج حروف و دریافت طبیعت زبان مقصد از مبدأ می‌شود. در جایی که تنوع و تفاوت میان هر فرد در کیفیت بیان نسبت به فرد دیگر وجود دارد (نینار ۲۰۱۱: ۳۲-۳۳) کیفیت بیان آوایی حرف‌های الفبا را مشاهده می‌کنیم. شنونده نیز در این فرایند نقش دارد؛ زیرا تغییر کلمه و کلام به دقت شنونده در گنجایش کلام شنیده‌شده نیز ارتباط دارد. بنابراین، ارتباط متقابل میان زبان هندی با ریشه‌ی دراویدی و سه شاخه‌ی هندی و اردی و تأمیلی با زبان عربی از زبان‌های سامی با اصل هندوآریایی سرچشمه گرفته است.

#### ۴.۶ دسته‌بندی نظریات زبان‌شناختی درباره‌ی لفظ «جناح»

مستشرقان، علاوه بر تحقیق پیرامون خاستگاه اولیه (محبوب ۱۳۸۲: ۳۶۸) لفظ جناح، الفاظ غیربومی قرآنی را برپایه سیر شکل‌گیری و تکامل آن‌ها به چند دسته تقسیم کرده‌اند. این دسته‌بندی‌ها اغلب مشابه و با تکیه بر جایگاه شکل‌گیری الفاظ صورت گرفته است.

هامر، مونته، دوخویه، و مولر از جمله افرادی‌اند که الفاظ غیربومی قرآنی را در سه دسته قابل تفکیک می‌دانند. تقسیم‌بندی این افراد تقریباً مشابه و به‌ترتیب زیر ارائه شده است:

- دسته نخست لفظ‌هایی که هسته اصلی بومی برخاسته از شعر دوره جاهلی را تشکیل می‌دهند و در بردارنده الفاظ باستانی ایران و هند و یونان و روم و سریان هستند؛

- دسته دوم الفاظ الحاقی است که در حدود سده‌های سوم و چهارم هجری و از دوره شکل‌گیری تمدن اسلامی به‌صورت ترجمه از دیگر زبان‌ها به زبان عربی افزوده شده‌اند و الفاظی مربوط به دوره اسلامی در شام هستند؛

- دسته سوم شامل لفظ‌های الحاقی در ایران و مصر قرن سیزدهم هجری و روزگار سلاطین مملوک است. به‌عقیده مولر (که الفاظ کتاب خود را به بخش‌های گوناگون تقسیم کرده است)، قسمت بزرگ‌تر لفظ‌ها در مصر پدید آمده و به تمدن اسلامی اضافه شده است.

نیز، با تکیه بر سیر الفاظ قرآنی آن‌ها را به سه دسته تقسیم می‌کند:

- الفاظی که از تمدن ایرانی اقتباس شده بود؛
- الفاظی که در سرزمین حیره و حجاز پدید آمده بود؛
- الفاظی که در مصر به تمدن اسلامی افزوده شده بود.

بررسی ریشه‌های زبان‌شناختی الفاظ قرآن کریم از طریق مقایسه و تحلیل معنایی که در این روش شرق‌شناسان و زبان‌شناسان به مطالعه منظم الفاظ قرآن کریم در نظام زبان‌شناسی غربی به‌ویژه زبان انگلیسی پرداخته‌اند. پایه این مقایسه را در مشابهت الفاظ عربی با الفاظ انگلیسی می‌توان یافت.

## ۷. پیش‌نهاد

الفاظ قرآن کریم در اصول اولیه معناشناختی.

## ۸. نتیجه‌گیری

۱. لفظ جُنَّاح در قرآن کریم ریشه فراقومیتی و فراملیتی دارد و از این جهت ریشه‌یابی براساس ساختار دستوری و بلاغی به‌تنهایی تعیین‌کننده معنای این لفظ در بستر تاریخ چهارده قرن در زبان عربی نیست.

۲. لفظ جُنَّاح با دربردارندگی حروف ج ن الف ح، که در زبان عربی بیش‌ترین کاربرد را نسبت به زبان فارسی داشته‌اند، از جهت آوایی هم‌خوانی کامل با زبان بومی عربی یافته است و با تغییر معنایی در زبان قرآن کریم به لفظی مستقل تبدیل شده است.

۳. تأکید پژوهش‌گران در شناخت ماهیت بومی لفظ «جناح» با کم‌توجهی به پیوند ساختار با ریشه‌یابی‌های اشتقاقی کلمه صورت پذیرفته است. بنابراین، مشابهت لفظی میان «گناه» و «جناح» زمینه کافی در شناسایی ریشه معنایی و مفهومی لفظ در بستر تاریخی ارائه نشده است.

۴. سیر تکامل و کاربرد لفظ «جناح» در ادبیات شعر و نثر زبان عربی بدون توجه به بافت معنایی و مفهومی در قرآن کریم نمی‌تواند زمینه شناسایی این لفظ را به پژوهش‌گران زبان‌شناسی ارائه کند.

۵. نگاه فراقومیتی به لفظ «جناح» به ایجاد مفهومی عمومی در میان تمامی انسان‌ها در هر نقطه از زمین در حرکت به سمت خوبی‌ها و دوری از تاریکی مطلق اشاره دارد و همه‌الفاظ در مشابهت معنایی به اصل واحد بازگردیده‌اند.

## پی‌نوشت‌ها

۱. در تقسیمات جغرافیایی الفاظ و کلمات گویش‌وران را به سه دسته بومی، منطقه‌ای، و غیربومی تقسیم کرده‌اند که بومی برخاسته از محدوده یک زبان در وسعت تقسیمات کشوری است؛ و منطقه‌ای برخاسته از گویش و لهجه قبیله‌های مختلف در یک منطقه است؛ و غیربومی کلمات وارداتی به زبان مقصد را در بر می‌گیرد. محیط زندگی در دوره‌های پیش از اسلامی و اسلامی و تا دوره معاصر این خصوصیات را در این تقسیم بندی‌ها در بر دارد.

۲.

جُنُوحُ الْهَالِكِ عَلَى يَدِيهِ مُكَبًّا يَجْتَلِي نَقَبَ النَّصَالِ

(الفراهیدی ۱۹۸۸: ج ۶، ۱۸۰)

۳. محققان هندی، مانند شرق پژوهان غربی در قرن‌های نوزده و بیست میلادی، پژوهش‌هایی با نگاه مثبت درباره قرآن کریم و بررسی زبان و فرهنگ و تمدن اسلامی نگارش کرده‌اند. از جمله این محققان که در زمینه‌های شرق‌شناسی و زبان و ادبیات تطبیقی و زبان‌شناسی قرآن کریم در حوزه شناخت ماهیت الفاظ فعالیت کرده‌اند دکتر حسن الدین احمد، پندت رگونات پرساد مشرا، وینوبها، و لاکشمن آریو پدیشک هستند.

## کتاب‌نامه

الإصلاحی، ایوب (۲۰۰۷ م)، بحوث و مقالات فی اللغة والأدب و تقویم النصوص، بیروت: دار الغرب الإسلامي.

البلبکی، ریحی (۱۹۹۵ م)، المورد - قاموس عربی - انکلیزی، بیروت: دار العلم للملایین.

ابن جنی، ابوالفتح (۱۹۵۲ م)، الخصائص، القاهرة: الهيئة المصرية العامة للكتاب.

ابن مکرم (ابن منظور)، جمال‌الدین (۲۰۰۳ م)، لسان العرب، المجلد الثاني، بیروت: دار صادر.

أنیس، ابراهیم (۲۰۰۳ م)، فی اللهجات العربیة، القاهرة: مكتبة الأنجلو المصریة.

بلقریز، محمد (۲۰۰۴ م)، تشخیص الصیغ اللغویة فی اللغة العربیة دراسة منجزة بطریقة التأثیر، مراکش: المطبعة و الوراقة الوطنیة.

تویسرکانی، قاسم (۱۳۵۰)، تاریخی از زبان تازی در میان ایرانیان پس از اسلام، تهران: دانش‌سرای عالی.

- جام نامقی، ابونصر احمد (۱۳۵۵)، *روضه المذنبین و جنة المشتاقین*، تصحیح و مقدمه و توضیح دکتر علی فاضلی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- الجرّ، خلیل (۱۳۸۱)، *فرهنگ عربی - فارسی: ترجمه کتاب المعجم الحديث*، ترجمه سیدحمید طبیبیان، تهران: امیرکبیر.
- جعفرعلی، فیضان (۱۳۹۴)، «مطالعات قرآنی پژوهش گران هندومذهب»، ترجمه محمدرضی معروفی، *مجله آیین پژوهش*، س ۲۶، ش ۶.
- الجوالیقی، ابومنصور (۱۹۹۰ م)، *المعرب من الكلام الأعجمی علی حروف المعجم*، المحقق الدكتور فانیان مبادی عبدالرحیم، دمشق: دارالقلم.
- خفاجی، محمد عبدالمنعم، محمد السعدی فرهود، و عبد العزيز شرف (۱۹۹۲ م)، *الأسلوبية والبيان العربي، القاهرة: الدار المصرية اللبنانية*.
- خیرات دهلوی، حاجب (۱۳۵۲)، *دستور الأفاضل*، به اهتمام دکتر نذیر احمد، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.
- رفیده، ابراهیم عبدالله (۱۹۹۰ م)، *النحوکتب التفسیر، لیبی: دار الجماهيرية للنشر و التوزيع و الإعلان*.
- الزیادی، حاکم ملک (۱۹۸۰ م)، *الترادف فی اللغة، بغداد: دار الحرّية*.
- السراقبی، ولید محمد (۲۰۰۷ م)، *رسائل فی اللغة لأبی محمد عبدالله ابن السیدة البطلیوسی، الرياض: مرکز الملك فيصل للبحوث و الدراسات الإسلامية*.
- شادی، محمد ابراهیم (۱۹۸۸ م)، *البلاغة الصوتية فی القرآن الکریم، الدقی: الرسالة*.
- شاه فضل قمصری، علیرضا (۱۳۸۳)، *ترجمه لغات قرآن، قم: جامعة القرآن الکریم*.
- الشایب، فوزی حسن (۱۹۸۹ م)، *تأملات فی بعض الظواهر الصرفی، یرموک: حولیات کلیة الآداب*.
- صفا، ذبیح الله (۱۳۸۴)، *تاریخ ادبیات ایران، خلاصه جلد اول و دوم، تهران: ققنوس*.
- طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۸۷)، *مجمع الشواهد: شرح شواهد مجمع البیان شیخ طبرسی، سید عطاءالله افتخاری، یاسوج: دانشگاه آزاد اسلامی، واحد یاسوج*.
- عبدالعظیم حمزة، أسامة محمد (۲۰۰۸ م)، *القصص القرآنی و أثره فی استنباط الأحكام، القاهرة: دارالفتح*.
- عمر، احمد مختار (۱۹۸۸ م)، *البحث اللغوی عند العرب مع دراسة لفضیة التأثیر و التأثير، القاهرة: عالم الكتب*.
- عمر، أحمد مختار (۱۹۹۸ م)، *علم الدلالة، مصر: عالم الكتب*.
- عمر، احمد مختار (۲۰۰۲ م)، *المعجم الموسوعي لألفاظ القرآن الکریم و قراءاته، الرياض: موسوعة سطور المعرفة*.
- عیساوی، عبدالسلام (۲۰۱۰ م)، *العلاقات المعنویة فی البنية النحویة مقارنة لسانیة، تونس: کلیة الآداب و الفنون و الإنسانيات*.
- غفرانی، محمد و مرتضی آیت الله زاده شیرازی (۱۹۹۵ م)، *فرهنگ اصطلاحات روز فارسی - عربی، قاموس فارسی - عربی، مراجعة الدكتور محمد عبدالنعیم الخفاجی و الدكتور عبدالعزيز شرف، بیروت: مكتبة لبنان ناشرون*.

بررسی خاستگاه بومی لفظ جناح با رویکرد حذف‌شناسی ۴۱

الفراهیدی، خلیل (۱۹۸۸ م)، *کتاب العین*، تحقیق مهدی الخزومی، ابراهیم السامرائی، الجزء الاول، بیروت: دار و مكتبة الهلال.

فرشیدورد، خسرو (۱۳۵۸)، *عربی در فارسی*، تهران: دانشگاه تهران.

قطب، سید (۱۳۸۶)، *فی ظلال القرآن*، ترجمه مصطفی خرم، تهران: احسان.

القوزی، عوض أحمد (۱۹۸۱ م)، *المصطلح النحوی نشأته و تطوره حتى أواخر القرن الثالث الهجری*، الرياض: عمادة الشؤون المكتبات، جامعة الرياض.

محجوب، محمدجعفر (۱۳۸۲)، *ادبیات عامیانه ایران*، به کوشش حسن ذوالفقاری، تهران: چشمه.

محقق اهری، محمدحسین (۱۳۸۶)، *شرح شواهد مذکور در تفاسیر مشهور*، قم: نسیم حیات.

محمودیان، مهدی (۱۳۹۳)، *آموزش ترجمه و مفاهیم قرآن کریم*، تهران: مطاف.

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۳)، *القواعد الفقهیة*، قم: مدرسه الإمام علی بن ابی طالب (ع).

مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۷)، *قرآن کریم همراه با شرح آیات منتخب*، تحقیق مهدی فقیهی رضایی، قم: اسوه.

مندیل، حسن و حسن العکلیلی (۱۳۹۱)، «الألفاظ المعبرة عن النزاهة و الإصلاح فی الإستعمال القرآنی»، چکیده مقالات ششمین همایش بین‌المللی پژوهش‌های قرآنی، بیست‌ونهمین دوره مسابقات بین‌المللی قرآن کریم.

نجفی، ابوالحسن (۱۳۸۶)، *غلط نویسیم* (فرهنگ دشواری‌های زبان فارسی)، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.

نینار، سیدمحمد انور (۲۰۱۱ م)، *تأثیر اللغة العربیة فی لغات الهند*، ترجمه: قاضی عبدالرشید الندوی، قطر: وزارة الثقافة و الفنون و التراث.

De Saussure, F. (1968), *Cours de Linguistique Generale*, Payot: Paris.

Esposito, John L. (ed.) (2003), *The Oxford Dictionary of Islam*, Oxford University Press, NewYork.